

مجموعه غزل

www.ketab.ir

قاب آینه



ابراهیم ذاکری گورزانی

سرشناسه: ذاکری گورزانی، ابراهیم، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: قاب آینه/ابراهیم ذاکری گورزانی.

مشخصات نشر: بندرعباس: سمت روشن کلمه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۷۴ص؛ ۵/۱۴×۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۹۲-۱۲-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: بالای عنوان: مجموعه غزل.

موضوع: شعر فارسی- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry — 20th century

رده بندی کنگره: PIR۸۰۵۶

رده بندی دیویی: ۶۲/۸۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۰۱۱۲



عنوان کتاب: قاب آینه

مؤلف: ابراهیم ذاکری گورزانی

ناشر: سمت روشن کلمه

مدیر مسئول: پداله شهرجو

مدیر اجرایی: هانا زارعی

صفحه آرای: طاهره پورهاشمی

طراحی جلد: مینا طافی

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۴۰۰

چاپ و صحافی: پیشگام

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸/۰۰۰ تومان

بندرعباس، چهارراه فاطمیه، خیابان شریعتی شمالی، کوچه جاودان ۴
پشت کلینیک دندانپزشکی مهرگان، ساختمان پارسا، طبقه دوم

۰۷۶-۳۲۲۱۰۵۱۷ ۰۹۱۷ ۳۶۵ ۵۰ ۷۰۰

○ Samtroshan@gmail.com ○

○ instagram.com/samt_roshan ○

○ www.samteroshan.com ○

حق چاپ محفوظ است

فهرست

فقط به خاطر تو	۱۱
قاب آینه	۱۳
دو چشمانت	۱۵
اتفاق	۱۷
چشم لبایت	۱۹
چراغ خیال	۲۱
بهشت عشق	۲۳
مشتاق نگاه	۲۵
ساحل چشم	۲۷
فاصله‌ها	۲۹
هوای تو	۳۱
لبخند	۳۳
عشق پاک	۳۵
غنچه‌ی دل	۳۷

فهرست

احوال عشق	۳۹
نقاشی دل	۴۱
لحظه‌های چشمانت	۴۳
همزاد عشق	۴۵
نگاه تو	۴۷
رخ مهتاب	۴۹
نگاه	۵۱
هم‌سفر	۵۳
خیال	۵۵
ابر نگاه	۵۷
طلوع خیال	۵۹
تصویر	۶۱
پرواز چشم	۶۳
شهر چشم	۶۵
وجود	۶۷
شب ماه	۶۹
بهار عشق	۷۱

مقدمه

با عرض ارادت خالصانه خدمت خوانندگان محترم
بیوگرافی خودم را در آثار پیشین نوشتم، ولی جهت آشنایی دوستان جدید
و جهت تسمیه زادگاهم روستای گورزانگ را به همراه مشخصات قدیم می‌کنم.
ابراهیم موس عباس قنبر ذاکری گورزانگی هستم و مادرم سکینه هاشم
علیایی طیبی شاهی که از طرف مادر به نام شریفه محمد کربلایی حسینعلی
قضایی به شاعر بزرگ مینابی نویسنده تمام نسخه‌های تعزیه و بسیاری
از نوحه‌های سنتی نشسته می‌رسد که شریفه محمد (کبل علی قضایی)
مادربزرگ من هستند از نواده پسری حسینعلی قضایی. روحشان شاد و
یادشان گرامی باد.

اثر پیش رو شامل غزل‌هایی است به زبان فارسی که ششمین کتاب شعر
من است و اگر نقاط ضعفی چه از لحاظ ادبی و موارد دیگر باشد از اساتید
سخن طلب بخشش دارم و همیشه محتاج راهنمایی دوستان خبره در شعر

و ادب فارسی هستم؛ امیدوارم مورد قبول واقع شده و ادامه راهی باشد برای کارهای بهتر و قوی‌تر.

وجه تسمیه روستای گورزانگ

در مورد نام گورزانگ روایت‌های متفاوت وجود دارد که می‌توان گفت یکی از آن‌ها بیشتر به واقعیت نزدیک باشد.

اولین معنی این است که گورزانگ تپه‌ای بوده که اطراف آن را آب فرا گرفته، قسمت شرقی آن رودخانه بوده

و قسمت غربی هم منطقه‌ای تقریباً باتلاق مانند که بیشتر فصول سال پوشیده از آب بوده و مردم اطراف به دنبال جای خشکی که آب رودخانه به آن نرسد تمام مردگان خود را از اطراف و کناف برای دفن به گورزانگ می‌آوردند و بیشتر در کنار مسجد اقصی این روستا دفن می‌کردند. به‌مرور تمام تپه و روستا به‌جز مناطقی که کشاورزی می‌شد محل دفن مردم شده و شنیده‌ها حاکی است که سال‌های دور به آن گورزنگی‌ها می‌گفتند و می‌گویند در دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی، سنگ‌های قبری پیدا شده که نوشته‌هایی روی آن‌ها بوده و الآن این سنگ‌نوشته‌ها در اطراف حسینیه‌ها زیر خاک مدفون است. پس چون محل دفن افراد مختلف بوده آن را گورزانگ نامیده‌اند.

داستان دیگری هم هست که چوپانی روی تپه گورزانگ نشسته بوده، که صدایی می‌شنود نزدیک که می‌رود متوجه صدایی از زیر خاک می‌شود، خاک‌ها را کنار می‌زند، نوزادی را کنار مادر مرده‌اش می‌بیند و از آن به بعد این روستا را به نام گورزانگ نامیدند که این داستان به واقعیت نزدیک نیست و مورد بعدی گور یعنی کنار و زانگ یعنی رودخانه که همان تپه کنار رودخانه که باز هم مورد پذیرش اذهان مردم نیست و دهخدا در لغتنامه خود کلمه گورزانگ را ترجمه نکرده، فقط حدود جغرافیایی آن را بیان کرده که قسمتی از باغ جمال و مزرعه حسن آدوری می‌باشد.